



دشمن مردم

دوران خطرناک حقیقت‌گویی در آمریکا

نوشته: جیم اکوستا

مترجم: فاطمه محرزفایی

www.ketab.ir

سرشناسه آکاستا، جیم، ۱۹۷۱-م. - Acosta, Jim, 1971- عنوان و نام
 پدیدآور: دشمن مردم، دوران خطرناک حقیقت‌گویی در آمریکا/ نوشته
 جیم آکوستا، مترجم: فاطمه محرزصفایی. ● مشخصات نشر: تهران :
 موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران، انتشارات ایران، ۱۴۰۱. ● مشخصات
 ظاهری: ۱۳۰×۲۱ (سان) م. ● شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۷-۹۳-۷ ● وضعیت
 فهرست نویسی: فیا ● یادداشت: عنوان اصلی: The enemy of the people: a dangerous time to tell the truth in America, 2019. ● یادداشت:
 چاپ قبلی: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران، انتشارات ایران، ۱۳۹۹،
 ۲۲۰ ص. ● یادداشت: چاپ دوم. ● عنوان دیگر: دوران خطرناک
 حقیقت‌گویی در آمریکا. ● موضوع: آکاستا، جیم، ۱۹۷۱-م. ● موضوع:
 Acosta, Jim - ۱۹۷۱-م. ● موضوع: ترامپ، دونالد، ۱۹۴۶-م. -- نوشت
 مطبوعاتی ● موضوع: Trump, Donald, 1946- -- Press cover. ● موضوع:
 age ● موضوع: شبکه خبری سی، آن آن ● موضوع: Cable News
 Network ● موضوع: مطبوعات و سیاست -- ایالات متحده. ● Press
 United States -- and Politics ● مطبوعات و سیاست -- ایالات متحده --
 تاریخ -- قرن ۲۱ م. ● History -- United States -- Press and Politics
 21st century ● آزادی مطبوعات -- ایالات متحده -- Freedom of the press
 United States -- and Politics ● خبرنگاران تلویزیونی
 United States -- Television journalists ● موضوع:
 ایالات متحده -- سیاست و حکومت -- ۲۰۱۷ م. ● United States
 2017- -- Politics and government -- ● شناسه افزوده: محرز صفایی،
 فاطمه، ۱۳۲۶-م. ● شناسه افزوده: موسسه فرهنگی مطبوعاتی
 ایران، انتشارات ایران. ● شابک: ۹۷۸/۹۳۴۰۹۲-۷-۹۳۴۷۷۲۲ ● اطلاعات
 رکورد کتاب‌شناسی فیا

عنوان: دشمن مردم

دوران خطرناک حقیقت‌گویی در آمریکا

نوشته: جیم آکوستا

مترجم: فاطمه محرزصفایی

کتاب‌آرایی: جواد آذردخت ● سیدماز یار شریف‌کیان

چاپ دوم: بهار ۱۴۰۱ ● تیراژ: ۵۰۰ نسخه

لینوگرافی و چاپخانه: موسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

بها: ۱۳۰،۰۰۰ تومان ● تعداد صفحات: ۲۴۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۷-۹۳-۷

نشانی دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان خرمشهر، پلاک

۲۰۸، موسسه مطبوعاتی ایران

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ ● نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴

نشانی انتشارات، تهران، ولیعصر، ترسیده به شهید مطهری، کوچه

حسینی زاد، پلاک ۲۲

تلفن: ۸۸۹۰۵۵۲-۸۸۴۸۸۹۲ و ۹۵

صندوق پستی: ۱۵۳۳۷۴۴۵۱۱

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.ketabir.com

رایانامه: entesharatiran@gmail.com



انتشارات ایران

این کتاب با کاغذ حمایتی

منتشر شده است.

- مقدمه ناشر ۷
- سخن مترجم ۹
- پیش گفتار ۱۱

○ قاب‌های خالی..... ۲۱

○ اولین دروغ..... ۵۹

○ دشمن..... ۸۹

○ روسیه، اگر صدایم را می‌شنوی..... ۱۱۱

○ دوران اسپایسی..... ۱۳۵

○ بدترین دوران کاری دفتر ریاست جمهوری..... ۱۷۹

○ شارلوتسویل..... ۱۹۹

○ «هرچه کنی کشت، همان بدروی...»..... ۲۲۳

○ دیکتاتورها عزیزتر از دموکراسی‌ها. ۲۶۳

○ حقارت در هلسینکی. ۲۹۳

○ گردهمایی‌های انتخاباتی. ۳۲۱

○ هراس و شکست. ۳۴۵

○ جوسازی کاخ سفید. ۳۷۵

○ لغو مجوز و بیس گرفتن آن. ۴۰۱

○ کلام آخر. ۴۳۱

• آمریکا اگر عدایم را می‌شنوی... ۴۳۱

www.ketab.ir

کتاب «دشمن مردم»، نوشته یکی از گزارشگران ارشد شبکه خبری سی‌ان‌ان در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ در کاخ سفید است که به چالش‌های خبرنگاران روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها با دولت ترامپ در انعکاس اخبار مربوط به سیاست‌های کاخ سفید می‌پردازد. جیم اکوستا در این کتاب روایت‌گر چالشی است که پس از روی کار آمدن ترامپ، میان خبرنگاران جوئی‌ای حقیقت با تشکیلات دولت ترامپ، به خصوص خود او، برای جلوگیری از انتشار صحیح اخبار و جهت دادن به نحوه خبررسانی از تصمیمات کاخ سفید، روی داده بود.

جیم اکوستا پیش از آنکه از طرف سی‌ان‌ان به پوشش اخبار دولت ترامپ بپردازد، اخبار دوران ریاست جمهوری باراک اوباما را از کاخ سفید به سراسر جهان مخابره می‌کرد. او در این کتاب، طی چند فصل به بیان خاطرات دوره خبرنگاری خود از دوران انتخاباتی و همچنین ریاست جمهوری ترامپ می‌پردازد که گویای حقایق و وقایع آن دوران می‌باشد و تصویری واضح‌تر از شخصیت ترامپ و دیدگاه دولتش و اطرافیان او برای مخاطبان ترسیم می‌کند.

• انتشارات ایران

در جهانی که سرعت گردش اطلاعات در آن لحظه به لحظه رو به افزایش است و برتری در آگاهی و داشتن اطلاعات بیشتر است، طبیعی است که اصحاب قدرت تمایل زیادی به هدایت و کنترل انتشار خبر و اثرگذاری بر نحوه پوشش اخبار داشته باشند. در این میان شرایط کار برای خبرنگاران آزاد و حرفه‌ای دشوارتر می‌گردد. اساساً تعهد خبرنگار خبررسانی، شفاف‌سازی و تنویر افکار عمومی است و اهمیت رسانه به عنوان رکن چهارم یک جامعه مردم‌سالار بر کسی پوشیده نیست اما گاهی برخی ملاحظات مانع می‌شوند تا اصحاب رسانه بتوانند آزادانه به وظیفه خود عمل کنند. اساساً وجود مطبوعات آزاد در هر جامعه و پاسخ‌گو نمودن مسئولان موجب پیشگیری از بروز فساد و نهادینه شدن آن در لایه‌های مختلف قدرت می‌شود. کتاب حاضر بیانگر چالشی است که پس از روی کار آمدن دولت دونالد ترامپ، چهل و پنجمین رئیس‌جمهوری آمریکا، برای جلوگیری از انتشار صحیح اخبار و جهت دادن به نحوه خبررسانی از تصمیمات کاخ سفید بین تشکیلات دولت ترامپ و خود او از یک سو و خبرنگارانی که در پی کشف حقیقت بودند از سوی دیگر در دوران ریاست جمهوری او روی داده است. امید است مطالعه این سطور بتواند کمکی هر چند اندک برای فعالان عرصه خبر و خبرنگارانی باشد که

به تازگی قدم در مسیر نه چندان هموار خبررسانی گذاشته‌اند و همواره در پی کشف حقیقت‌اند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند. گفتنی است از آنجا که متن کتاب آکنده از اشارات و کنایه‌هایی بود که تنها در زادگاه نویسنده مرسوم و متداول است برای حصول اطمینان حداکثری از درستی آنچه در برگردان فارسی متن گفته می‌آید از منابع اصلی و یا شناخته‌شده و نزدیک‌ترین منابع به منبع اصلی بهره گرفته شده است. به عنوان مثال در یک مورد استفاده از ویکی‌پدیا برای ارائه ترجمه‌ای یک دست از شعر اما لازاروس است که در پایه مجسمه آزادی نوشته شده است. به هر روی آنچه در برابر خوانندگان گرامی قرار دارد حاصل ماه‌ها تلاش بی‌وقفه برای ارائه ترجمه‌ای روان و قابل فهم از متنی چالش‌برانگیز است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

• ناطقه محرز صفا

www.ketab.ir

چند دقیقه قبل از برخاستن هواپیما از روی باند، روی صندلی ام نشسته بودم که این پیام از تلویزیون‌های داخل کابین پخش شد: «اخبار فوری از سی ان ان...»

صبح روز بیست و پنجم اکتبر سال ۲۰۱۸ بود و من از فرودگاه رونالد ریگان در واشنگتن به سوی سان فرانسیسکو در حرکت بودم تا در دانشگاه دولتی سن خوزه درباره کار خبرنگاری در دوره ریاست جمهوری دونالد جی ترامپ سخنرانی و جایزه‌ای هم از واحد خبرنگاری آن دانشگاه دریافت کنم. می‌خواستم در حین پرواز روی متن سخنرانی‌ام کار کنم ولی ناگهان چشم روی صفحه تلویزیون مقابلم خشک شد.

واحد‌های پلیس شهر نیویورک مرکز تایم وارنر در محدوده خیابان کلمبو واقع در سنترال پارک نیویورک را محاصره کرده بودند. ساختمان مرکزی سی ان ان در پی کشف یک بسته مشکوک در قسمت نامه‌های ارسالی تخلیه شده بود. یک بمب لوله‌ای به دفتر سی ان ان در نیویورک ارسال شده بود اما هدف اصلی آن جان برانن، رئیس سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و منتقد پروپاقرص و همیشگی ترامپ بود. بمب ارسال شده شبیه بمب‌هایی بود که برای مخالفان برجسته ترامپ از حزب دمکرات از جمله رئیس‌جمهور

سابق، باراک اوباما و هیلاری کلینتون، رقیب انتخاباتی ترامپ در سال ۲۰۱۶ و وزیر امور خارجه سابق، هم ارسال شده بود.

به نظر من تمام این اقدامات نمونه‌ای از اعمال خشونت‌آمیز بود. همیشه از روزی می‌ترسیدم که لفاظی‌های رئیس‌جمهور باعث شود یک نفر از هوادارانش به یکی از خبرنگاران آسیب زده و یا حتی او را به قتل برساند. اگر این اتفاق می‌افتاد آمریکا دستخوش تغییرات اساسی می‌شد و به جمع کشورهایی می‌پیوست که خبرنگاران به خاطر گفتن حقیقت، دیگر در آن امنیت جانی ندارند. شاید هم ما وارد همان دوران شده بودیم، دوران خطرناک حقیقت‌گویی در آمریکا.

البته آنجا که من بودم - گرفتار در صندلی هواپیما در طول یک پرواز پنج‌ساعته به کالیفرنیا شمالی - هیچ کاری از من ساخته نبود جزء اینکه در جایم می‌خکوب شده و به تصاویری که از وقوع تروریسم در داخل کشورم از صفحه تلویزیون کوچک داخل هواپیما پخش می‌شد خیره شوم.

برای یک خبرنگار هیچ چیز بدتر از آن نیست که ماجرای به این مهمی را از دست بدهد. اما «ترس از جا ماندن» احساسی نبود که در آن لحظه داشتم. من ناراحت شده بودم. واقعاً ناراحت شده بودم از اینکه علیه سازمان خبری که برایش کار می‌کردم و بدون شک علیه مطبوعات آزاد آمریکا حمله تروریستی انجام شده بود.

من قبل از برگزاری انتخابات مقدماتی کمیته‌های پارلمانی آیووا در سال ۲۰۱۶ هم اخبار صعود غیرقابل پیش‌بینی ترامپ را پوشش داده بودم و هم خبر پیروزی پرشور او را در انتخابات ریاست‌جمهوری. گروه خبری ما که از من، عکاسان و تهیه‌کنندگان خبری تشکیل می‌شد تمام اخبار مربوط به گردهمایی‌های انتخاباتی را که در خلال آنها ترامپ رسانه‌ها را تخریب می‌کرد پوشش داده بود. همان‌جا که او پیش از رفتن به کنفرانس خبری که قبل از مراسم سوگندش به عنوان ریاست‌جمهوری آمریکا برگزار شده بود، همه ما را «حال به هم زن» و «متقلب» خوانده بود و به من و سی‌ان‌ان گفته بود «اخبار

جعلی «ما به شعارهایی که حامیان ترامپ علیه ما می دادند گوش دادیم و در حالی که با دست اشاره های نامربوطی به ما می کردند به آنها نگاه کردیم و شنیدیم که به ما می گفتند «خائن» و «تفاله» و البته هیچ کس فراموش نمی کند که رئیس جمهوری ایالات متحده به ما «دشمن مردم» هم گفته بود.

در مسیر رفتن به کالیفرنیا متن سخنرانی را که برای دانشگاه سن خوزه نوشته بودم پاره کردم و دوباره متن جدیدی نوشتم. تصمیم گرفتم در سخنرانی ام حقایقی را که در طول مدت پوشش اخبار ترامپ شاهدش بودم برای دانشجویان برملا کنم. با خودم فکر کردم و بعد هم به مردم گفتم که از این می ترسم که رئیس جمهوری با سخنانش زندگی ما را به خطر بیندازد. ولی دیگر زمان عقب نشینی نبود. حقیقت بزرگ تر و مهم تر از رئیس جمهوری بود که مثل یک قلدر زورگو عمل می کرد. ما در حال نبرد برای افشای حقیقت بودیم و هیچ چیز مهم تر از این نبود.

در خلال مبارزات انتخاباتی ترامپ برای ریاست جمهوری و در مدت دو سال حضور او در کاخ سفید من مدام اتفاق هایی را که رخ می داد یادداشت می کردم و نقل قول های منابع مختلف را جمع آوری کرده و به گفته های دستیاران گذشته و حال ترامپ گوش می دادم. همچنین واکنش هایی را که آشکارا نسبت به مهم ترین واقعه سیاسی عمرم ابراز می شد جمع آوری می کردم. از وقتی که فهمیدم می خواهم خبرنگار شوم، این همان چیزی بود که خودم را از هر نظر برای گفتنش آماده کرده بودم.

از آنجا که در واشنگتن بزرگ شدم، سیاست در خونم بود. هر روز صبح برای ما روزنامه واشنگتن پست می آوردند. والدین من کارگر بودند اما مادرم هر صبح از ابتدا تا انتهای روزنامه را می خواند. پدرم در خواروبارفروشی محل کار می کرد اما هر روز با داستان هایی از ملاقات های دیک جیفارد نماینده سابق ایالت میسوری در کنگره و نامزد دموکرات ریاست جمهوری به خانه می آمد. خود من هم با دختر سناتور ترنت لات هم مدرسه ای بودم و پدر بهترین دوستم رابرت، به نام یوجین داویر، در وزارت خارجه کار می کرد.

برخلاف بسیاری از خبرنگاران جوان امروزی، من برای رسیدن به حرفه‌ام در شبکه‌های خبری و اخبار سی‌ان‌ان یک مسیر سنتی را طی کردم. سال‌های درازی در شهرهای مختلف کار کردم از واشنگتن گرفته تا ناکسویل و شیکاگو. چیزهای زیادی از خبرنگاران بزرگ آموختم و بسیار کار میدانی انجام دادم. زمانی که در بخش اخبار محلی کار می‌کردم مدام از شورای شهر به دادگاه و اداره پلیس در رفت‌وآمد بودم و به این شکل بود که توانستم منابع خبری خودم را ایجاد کنم، خبرهای داغ و دست‌اول تولید کنم و بیشتر از همه اینکه رویدادها را با عالی‌ترین شیوه و توانایی حرفه‌ای‌ام در ارائه دقیق و صحیح اخبار، گزارش کنم.

سرانجام شبکه خبری سی‌بی‌اس بهترین فرصت شغلی زندگی‌ام را در اختیارم گذاشت یعنی کار کردن با افرادی مانند دن رادر و باب شیفر. من خبرهای مربوط به جنگ عراق، طوفان کاترینا و مبارزات انتخاباتی جان کری را پوشش دادم و همه اینها برای من در حکم مراحل فوق‌العاده‌ای از دگردیسی و تکامل بود که در دنیایی از فرصت‌های مختلف را به روی من گشود. اما این شبکه سی‌ان‌ان بود که آنچه را که همیشه در آرزویش بودم در اختیارم گذاشت یعنی کار کردن در کسوت یک خبرنگار سیاسی. در سال ۲۰۰۸، من اخبار مبارزه انتخاباتی حماسی باراک اوباما و هیلاری کلinton را پوشش دادم. در سال ۲۰۱۰، با پوشش اخبار ظهور حزب تی‌پارتی جای پای خود را در حرفه خبرنگاری محکم کردم (این تمرینی بود که مرا آماده کرد تا سال‌ها بعد بتوانم از پوشش اخبار مبارزات انتخاباتی ترامپ سربلند بیرون بیايم) و دو سال بعد از طرف سی‌ان‌ان مأمور شدم تا مبارزه انتخاباتی میت رامنی را که به شکست انجامید پوشش دهم.

پس از آن مرا برای پوشش اخبار دوره دوم ریاست جمهوری اوباما به کاخ سفید فرستادند. اوباما که به «اوبامای بی‌ماجر» معروف شده بود طی چهار سال آخر ریاست جمهوری‌اش با ماجراهای زیادی روبه‌رو شد. ماجراهایی مثل حمله تروریستی در بنغازی، راه‌اندازی بدفرجام سایت اوباما کر، پیدایش

داعش و رسوایی در اداره امور کهنه سربازان، همه و همه چالش های جدی بودند که گریبانگیر اوباما شدند و میراث او را به عنوان رئیس جمهوری که توانسته بود دومین رکود اقتصادی بزرگ آمریکا را متوقف و دستور نابودی اسامه بن لادن را صادر کند، خدشه دار کردند. همان طور که مشخص است، بسیاری از این ماجراها که ما را در دوره دوم اوباما به خود مشغول کردند مانند مسئله داعش و یا عدم تصویب اصلاحات مربوط به مهاجرت، همه دست مایه ای شدند تا ترامپ را به دفتر ریاست جمهوری کاخ سفید برسانند. ترامپ مدت ها پیش از اینکه نامزد انتخابات ریاست جمهوری شود به دلیل اینکه تمام وقت در تلاش بود تا «آمریکایی بودن» اوباما را زیر سؤال ببرد به پای ثابت برنامه های خبری تلویزیون تبدیل شده بود. ماجرای محل تولد اوباما از یک تئوری توطئه دروغین نشأت می گرفت که مدعی شده بود اوباما زاده آمریکا نیست. ترامپ یکی از بزرگ ترین حامیان این ادعای ساختگی بود که درباره اولین رئیس جمهوری آفریقایی - آمریکایی ایالات متحده گفته شد. ترامپ با برنامه تلویزیونی موفق خود به نام «کارآموز» از قبل هم یک ستاره بود اما توطئه آمریکایی نبودن اوباما باعث شد تا از وقتی که او در برنامه های تلویزیونی اش گهگاه «نمایش» مشکوک بودن محل تولد اوباما را اجرا می کرد، به یک نام آشنا در محافل محافظه کار بدل شود و این شرم آور بود.

واقعیتش را بخواهید، تشکیلات واشنگتن، ترامپ را یک شخصیت معتبر به حساب نمی آورد و رئیس جمهور اوباما هم حملاتی را که از جانب او متوجهش می شد به عنوان رجزخوانی های یک «جارچی کارناوال» نادیده می گرفت اما به یاد دارم که ما اصحاب رسانه این دروغ زننده را درباره محل تولد اوباما بارها به شکل مسخره ای پوشش دادیم.

پس از آنکه ترامپ در ژوئن سال ۲۰۱۵ نامزدی اش را برای انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد، تعداد کمی از اعضای دفتر ریاست جمهوری اوباما در بال غربی کاخ سفید احتمال می دادند که ترامپ به کاخ سفید راه می یابد. برای آنها ترامپ بیشتر یک داستان بود تا کسی که خمیرمایه

رئیس‌جمهور شدن داشته باشد. آنها باور داشتند که هیلاری کلinton
رئیس‌جمهور بعدی خواهد بود.

اما زیاد طول نکشید تا این اظهارنظر هم تغییر کند.

به یاد دارم در پاییز سال ۲۰۱۵ وقتی ترامپ توانست برای اولین بار نظر
مردم زیادی را به شرکت در گردهمایی‌های انتخاباتی خود جلب کند، من در
یکی از جلسه‌های غیررسمی و غیررسانه‌ای (off record) خانم سوزان رایس
مشاور امنیت ملی شرکت کردم (برای صرف نوشیدنی با کارکنان). یکی از مقام‌های
ارشد جمع از من پرسید، آیا ترامپ واقعاً موفق می‌شود از حزب جمهوری خواه
نامزد شود و من هم گفتم یقیناً می‌تواند، به شمار بالای شرکت‌کنندگان در
همایش‌هایش توجه کنید.

توجه دوستان اوباما جلب شد اما آنها همچنان مطمئن بودند که
چهل و پنجمین رئیس‌جمهوری آمریکا هیلاری کلinton است.

پس از سخنرانی و ضمیمه اتحاد اوباما در سال ۲۰۱۶، من بایک دستور کار
جدید وارد کاخ سفید شدم. در ده ماه آینده باید مبارزات انتخاباتی ترامپ
را پوشش می‌دادم، از زمان برگزاری انتخابات مقدماتی کمیته‌های پارلمانی
در ایالت آیوا تا شب انتخابات در میدان تایمز و اقام در بخش مرکزی منتهن.
برای گذران این مرحله انتقالی در هتلی در نزدیکی سنترال پارک مستقر شدم
تا اینکه سرانجام توانستم به منزل در واشنگتن برگردم.

هرگز آنچه را که در جریان مبارزات انتخاباتی ترامپ و پوشش اخبار
ریاست‌جمهوری‌اش شاهد آن بودم فراموش نخواهم کرد. حتی الان که بیش
از دو سال از ریاست‌جمهوری ترامپ می‌گذرد هم هنوز نمی‌توانم فراموش
کنم وقتی که او نامزد انتخابات بود گفت که می‌تواند وسط خیابان پنجم
نیویورک بایستد، به کسی شلیک کند و بدون هیچ دردسری به راهش ادامه
دهد. هنوز هم باورش سخت است که او بتواند اسارت یک قهرمان جنگی
مانند جان مک کین را به تمسخر بگیرد، یک خبرنگار معلول را مسخره
کند و مهاجران ثبت نشده مکریکی را «متجاوز به عنف» خطاب کند ولی

همچنان از پاسخ‌گویی نسبت به اعمالش، آنچنان که معمولاً دربارهٔ دیگران روی می‌دهد، مبرا باشد.

به جزء راهکارهای صد در صد ظالمانه و بی‌رحمانه‌ای که ترامپ علیه رقبای خود به کار می‌گرفت، معمولاً او حقیقت را هم وارونه جلوه داده و دروغ می‌گفت و به هر کسی که دروغ‌هایش را برملا کند حمله می‌کرد به خصوص به اصحاب رسانه‌های ملی. در خلال دو سال اول ریاست جمهوری ترامپ، گروهی که در روزنامهٔ واشنگتن پست مسئول تحقیق دربارهٔ درستی اظهارات مقام‌های کشور هستند تقریباً ده هزار جملهٔ نادرست یا مبهم و گمراه‌کننده در سخنان او پیدا کردند. با بررسی‌های دقیق وزیر ذره‌بین گذاشتن اظهارات ترامپ درمی‌یابیم که او در زمینهٔ ابراز چنین نظرات وارونه‌ای کاملاً موفق عمل کرده است چرا که واقعیت دیگر همان اعتباری را که پیش از این داشت ندارد. سناتور درگذشته دانیل پاتریک مونیهان زمانی گفته بود: «هر کسی حق دارد عقیده‌ای برای خود داشته باشد اما حق ندارد حقایق را به سلیقهٔ خود تعریف کند.» اما این دیگر حقیقت ندارد. امروزه هر کسی مجموعه‌ای از حقایق خودش را دارد. در نتیجه حقایق مورد حمله قرار می‌گیرند، هر لحظه و هر دقیقه در حوزهٔ پراکنده و متفرق خبررسانی. مثلاً شبکهٔ خبری [راست افراطی] بریت بارت و فاکس نیوز را در نظر بگیرید. و البته شبکه‌های اجتماعی. فقط کافی است سؤالی بپرسید که رئیس جمهوری نخواهد به آن جواب بدهد. پس از آن به شما برچسب «اخبار جعلی» یا «دشمن مردم» می‌زنند و یا حتی بدتر از آن مثلاً یکی از مقام‌های دولت لطف کرده و به من لقب «دشمن شمارهٔ یک مردم» را داده بود.

چیزی که فهمش برای من سخت‌تر است این است که چطور ممکن است تعداد زیادی از آمریکایی‌ها نیز چنین تحقیری را برای فرهنگ سیاسی ما بپذیرند و یا حتی در مواردی خودشان با آن هم صدا شوند. خلاصه بگویم، آمریکا در برابر چشمان من به کلی تغییر کرد و من از طریق پیام‌های تهدید به مرگ، یا پیام‌های خشونت‌آمیزی که در شبکه‌های اجتماعی ام دریافت